

# ژوان کورسل

## شهید مسیحی



دوست داشت نامی از امیرالمومنین (ع) روی او بماند و همواره می‌گفت: «به من بگوئید ابوحنیفه، این رمز بین علی (ع) و من است.» یکی از دوستانش می‌گوید: «بعضی شب‌ها از زیر لحاف نگاهش می‌کردم. می‌دیدم بیدار شده و نماز می‌خواند و گریه می‌کند. بعضی وقت‌ها فرانسوی حرف می‌زد. می‌گفتم: «کمال چه می‌گویی؟» می‌گفت: «صحبت‌هایی با خدا دارم.» گاهی که به مشکل برمی‌خوردیم، با خودش شوخی می‌کرد و می‌گفت: «آقا کمال، چرا فرانسه را ول کردی و آمدی ایران؟» بعد جواب خودش را می‌داد و می‌گفت: «من اسلام را دوست دارم. چون خودم آن را قبول کردم، تمام سختی‌ها را هم تحمل می‌کنم. اسلام عالی است و من می‌خواهم بدانم اسلام چه گفته و آن را هدفم قرار دهم.»

\*\*\*

بی‌آبی و بی‌غذایی، امان بچه‌ها را بریده بود. بعضی تحمل‌شان تمام شده بود. با ناراحتی می‌گفتند: «چرا برایمان آب و غذا نمی‌آورند؟» بیسیم چی بیغام داد که طاقت بچه‌ها تمام شده. بعضی‌ها غر می‌زدند و بی‌تابی می‌کردند. یک دفعه کمال عصبانی شد و داد زد: «چرا خجالت نمی‌کشند؟ از خدا خجالت بکشید. ما امروز با این تشنگی و گرسنگی با امام حسین (ع) هم‌دردی می‌کنیم. شما مگر امام حسین (ع) را نمی‌شناسید؟ ما حسینی هستیم. من امروز امام حسین (ع) را شناختم!» همه با شنیدن حرف‌هایش ساکت شدند. این‌ها را که گفت، از کنار بقیه بلند شد و چند قدم دورتر رفت. هنوز با خودش حرف می‌زد که یک آری‌بی‌چی کنارش خورد و به شهادت رسید!

پی‌نوشت

۱. زیارت با معرفت و یادمان شهدای عملیات مرصاد، ستاد مرکزی راهیان نور

### ژوان کورسل، یک‌نفر بود مثل آدم‌های

دیگر. موهایی داشت بور، با ریشی نرم و کم‌پشت و سنی حدود هفده سال. پدرش مسلمان بود، از تاجرهای مراکش، و مادرش فرانسوی و اهل دین مسیح. ژوان دنبال هدایت بود. در سفری همراه پدرش به مراکش، مسلمان شد. در نماز جمعه اهل سنت پاریس، سخنرانی‌های حضرت امام (ره) را که به فرانسه ترجمه شده بود پخش می‌کردند. یکی از آن‌ها را گرفت و گوشه خلوتی پیدا کرد برای خواندن. خوشش آمد و خواست که باز هم برای او از این سخنرانی‌ها بیاورند. بعد از مدتی، رفت و آمد ژوان با دانشجویهای ایرانی بیشتر شد. غروب شب جمعهای، همراه آنان در دعای کمیل شرکت کرد. چون پدرش مراکشی بود، عربی را خوب می‌دانست. یک روز دانشجویان ایرانی دیدند ژوان نماز می‌خواند اما دست‌هایش را روی هم نگذاشته. هفته بعد دیدند که بر مظهر سجده می‌کند. او شیعه شده بود! وقتی پرسیدند: چه کسی تو را شیعه کرد؟ جواب داد: «دعای کمیل علی!»

کمال (ژوان) کورسل از شهدای فرانسوی جنگ تحمیلی است. او در ۹ آوریل ۱۹۶۶ میلادی در شهر پاریس به دنیا آمد. پس از آن که در فرانسه به مذهب تشیع گروید، نامش را به کمال تغییر داد و برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم رفت. او در عملیات مرصاد، در ۵ مرداد ۱۳۶۷ به شهادت رسید. دو کتاب **چهل حدیث** و **مسئله حجاب** به قلم او، به زبان فرانسه ترجمه شده است. او در وصیت‌نامه‌اش خواسته بود که در قم دفن شود و آن را، هم به عربی و هم به فارسی، نوشته بود. همیشه